

طراحی الگوی برنامه‌درسی ویژه مهاجران افغان در نظام آموزش عمومی کشور

صادق موسوی^۱، کورش فقی و اجارگاه^{۲*}، محمود خانی^۳، سید صفایی موصد^۴

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴	هدف از پژوهش حاضر، بررسی عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی ویژه مهاجران افغان و معرفی مؤلفه‌ها و مقوله‌های تشکیل دهنده این حوزه و در نهایت ارائه الگوی مطلوب مطابق با زمینه کشور (ایران) بود. روش اجرای این مطالعه از نوع کیفی و با استفاده از روش داده‌بنیاد بود. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با استادانی که سابقه پژوهش در این زمینه را دارا بودند و معلمانی (شهر تهران) که تجربه تدریس به دانش‌آموزان افغان را داشتند استفاده شد. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند ۳۰ مصاحبه از استادان و معلمان به عمل آمد. مصاحبه‌ها با استفاده از سه مرحله کدگذاری (روش استراوس و کوربین) مورد تحلیل قرار گرفتند. پس از تحلیل مصاحبه‌ها و استخراج الگو با استفاده از روش چک اعضا مورد اعتبارسنجی قرار گرفت. نتایج تحقیق به شکل الگویی متشکل ۱۱ مقوله اصلی و ۳۲ مقوله فرعی ارائه گردید. مقوله‌های فرعی که ذیل بعد شرایط علی قرار گرفتند، عبارت بودند از: حقوق شهروندی، حقوق بشر، مشترکات فرهنگی، چالش‌های زبانی، انسجام فرهنگی، سازگاری فرهنگی، وجود اقلیت‌ها، مجاورت جغرافیایی، حق همسایگی. مقوله‌های فرعی در بعد زمینه‌ای عبارتند از: امنیت شکننده، ناآگاهی قومی، نگاه زاویه‌دار به فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌های مذهبی. خرده‌مقوله‌های بعد مداخله‌ای عبارت بودند از: خودبرتری، دگرهراسی، سیاسی‌کاری افراطی، دید امنیتی، تعصبات قومی. خرده‌مقوله‌های مربوط به بعد راهبردها عبارت بودند از: تدوین برنامه درسی چندفرهنگی، تدوین برنامه درسی تلفیقی، آگاهی‌سازی فرهنگی، احترام به تفاوت‌ها، پذیرش دیگری، انکار تفاوت‌های فرهنگی، سرکوب تفاوت‌های فرهنگی. مقوله‌های فرعی بعد پیامدی نیز عبارت بودند از: ارتقای وجه بین‌المللی، گسترش مناسبات سیاسی، کاستن هزینه‌های ناشی از بزهکاری، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، انتقال فرهنگی، تحقق عدالت آموزشی و همبستگی فرهنگی. همچنین برنامه درسی فراگیر ویژه مهاجران به‌عنوان مقوله محوری یافت شد.
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴	
نوع مقاله: پژوهشی	
واژگان کلیدی	
برنامه درسی، مهاجران افغان، الگو	

۱. دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۴. استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

آموزش منافع فراوانی را برای فرد و جامعه به ارمغان می‌آورد. آموزش از طریق مجهز کردن افراد به مهارت‌های گوناگون، فرصت‌هایی را برای آنان فراهم می‌آورد تا در زندگی آینده خود مفید باشند و درآمد بالایی داشته باشند که این امر به شکستن چرخه فقر نیز می‌انجامد. افزون بر این، آموزش، نوع شهروندی و درک افراد و درگیری آنها در جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این امر به‌خصوص برای افراد مهاجر از اهمیت بالاتری برخوردار است. آموزش باعث می‌شود افراد مهاجر، جامعه میزبان را بهتر بشناسند و فرصت ادغام آنها در جامعه فراهم شود. این امر به‌خصوص در مورد رسم و رسوم، قوانین و زبان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است (دمپستر و هارگریو، ۲۰۱۷). هر چه مهاجران از آموزش و سواد بیشتری برخوردار باشند، تمایل بیشتری به حمایت از دموکراسی، مشارکت در امور سیاسی و در نتیجه پذیرش تفاوت‌ها خواهند داشت (یونسکو، ۲۰۱۶). تمامی این موارد به کشور میزبان کمک خواهد کرد تا فرصت‌ها و چالش‌هایی را که مهاجران به‌وجود می‌آورند بهتر مدیریت کنند. تحقیقات نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاری در این زمینه (آموزش مهاجران) با نرخ بالایی از بازگشت سرمایه برای کشورهای میزبان که اقدام به این امر نموده‌اند همراه بوده است (یونسکو، ۲۰۱۶، اسکافرهوف و همکاران، ۲۰۱۶). آمارها حاکی از آن است که ۱ دلار سرمایه‌گذاری سالانه در آموزش مهاجران (کشورهای با درآمد مختلف)، بازگشت سرمایه‌ای معادل با ۱۰ دلار برای کشورهای با درآمد کم، ۴ دلار در کشورهای با درآمد متوسط و ۲ دلار در کشورهای با درآمد بالا دارد (کمیسیون بین‌المللی سرمایه‌گذاری آموزش جهانی، ۲۰۱۴). همچنین آموزش منجر به تولید ثروت به‌صورت مستقیم می‌شود که این امر نیز تأکید بر آموزش در کشورهای مقصد را دوچندان می‌کند؛ اما آموزش مهاجران همواره با مسائل خاصی روبه‌روست که بدون پرداختن به آن نمی‌توان انتظار داشت آموزش‌های ارائه‌شده مؤثر باشند. در واقع، تبیین و رفع مسائل آموزشی زمینه را برای آموزش‌های کاربردی و مؤثر مهاجران فراهم می‌کند.

باید گفت که دنیای امروز گرفتار بحران‌های متعددی شده، که منجر به از بین رفتن سریع زندگی برخی انسان‌ها شده است. یکی از این پدیده‌ها مهاجرت است. در صورتی که فرد مهاجر بتواند از کشور خود جان سالم به در ببرد، در کشور دیگری به‌عنوان مهاجر شناخته می‌شود. مهاجرت به‌عنوان سازوکار مهم در توزیع فضایی جمعیت در طول زمان با علوم مختلفی همچون علوم اجتماعی، جمعیت‌شناسی، جغرافیا و اقتصاد مرتبط است. به دلیل ماهیت مهاجرت^۱ و اینکه پدیده-ای بینا رشته‌ای است، تعاریف متعددی از آن به عمل آمده و هر کس نسبت به حوزه تخصصی و

1. Dempster & Hargrave
2. UNESCO
3. Schäferhoff et al
4. International Commission on Financing Global Education Opportunity Education Commission
5. Emigration

حوزه کاری خویش تلاش می‌کند آن را تعریف نماید. در فرهنگ دهخدا مهاجرت به معنای ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت گزیدن است (دهخدا، ۱۳۵۲). در جمعیت‌شناسی مهاجرت به‌طور عام از تغییر محل اقامت فرد از یک نقطه به نقطه دیگر به‌عنوان مهاجرت یاد شده است. مهاجرت در لغت‌نامه جمعیت‌شناسی سازمان ملل، به‌عنوان شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد تعریف شده است. این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود است. این‌گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم می‌گویند و می‌بایست آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نیست تفکیک کرد (هفته‌نامه برنامه، ۱۳۸۹).

به هر حال، جدای از تعاریف مختلف ارائه‌شده در این زمینه در دهه‌های اخیر، جریان مهاجرت به‌طور فزاینده‌ای افزایش پیدا کرده است و این مهاجرت شامل خانواده‌هایی که فرزند دارند نیز شده است. در سال ۲۰۱۲ بیش از ۱۲ درصد دانش‌آموزان ۱۵ ساله دارای پیش‌زمینه مهاجرتی در کشورهای اتحادیه اروپا بوده‌اند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱، ۲۰۱۵). آمار فزاینده دانش‌آموزان مهاجر عمیقاً نظام آموزشی را به چالش کشیده است. شکاف نژادی در نمرات مربوط به گوناگون و ارتقای انسجام اجتماعی به چالش کشیده است. شکاف نژادی در نمرات مربوط به آزمون‌های پیشرفت تحصیلی علی‌الخصوص در سال‌های اولیه تحصیلات و با توجه به پیش‌زمینه‌های خانوادگی رو به افزایش است (فریر و لویت^۲، ۲۰۰۴). سیاست‌ها و اعمال آموزشی می‌تواند توضیح خوبی در این زمینه باشد. نظام آموزشی که مشخصه آن طبقه‌بندی مدارس است، ممکن است باعث انزوای دانش‌آموزان از خانواده‌هایی با پیش‌زمینه‌های محروم در این نوع مدارس که هم از لحاظ معلم و دانش‌آموز دارای کیفیت پایین هستند شود (بتس^۳، ۲۰۱۱). همچنین این نوع سیستم آموزشی تأثیر پیش‌زمینه‌های خانواده بر بازده آموزشی و شغلی را به‌شدت پررنگ می‌کند (گایون و همکاران^۴، ۲۰۱۲؛ برنلو و چچی^۵، ۲۰۰۷).

از منظر سیاست‌های آموزشی، تعلیم مهاجران^۶ چالشی بزرگ محسوب می‌شود، چرا که بیشتر فراگیران پناهنده در مقایسه با دیگر فراگیران، پیشرفت تحصیلی کمتری دارند و همچنین تسلط کمتری بر زبان غالب که به‌وسیله آن آموزش صورت می‌گیرد دارند (باتالوا، فیکس و ماری^۷، ۲۰۰۷). در نتیجه اینچنین پیشرفت پایین تحصیلی به‌طور معناداری فرصت‌های فراگیران برای تحرک اجتماعی در آینده را به‌شدت محدود می‌سازد.

-
1. OECD or The Organisation for Economic Co-operation and Development
 2. Fryer & Levitt
 3. Betts
 4. Guyon et al
 5. Brunello and Checchi
 6. Refugee
 7. Batalova, Fix & Murray

آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی فراگیر و تجربه‌ای مشترک در بین تمامی افراد قلب فرهنگ و فرایندهای اجتماعی را شکل می‌دهد که به نوبه خود بر اقتصاد و تحولات سیاسی نیز تأثیر می‌گذارد (آدامز و کیرووا^۱، ۲۰۰۶). در این بین یکی از فرایندهایی که آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد مهاجرت می‌باشد. همان‌گونه که اطلاعات بین‌المللی نشان می‌دهند که مهاجرت به‌طور فزاینده‌ای رو به افزایش است و دستیابی به آموزش برای مهاجران به نگرانی جهانی برای مریبان تبدیل شده است، نظام‌های آموزشی با نیاز به پاسخگویی مناسب به روندهای کنونی مهاجرت و در نتیجه تغییرات دموگرافیک در جمعیت دانش‌آموزی روبه‌رو هستند. در بسیاری از کشورها آموزش مهاجران در دستور کار سیاسی قرار گرفته است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۵). همچنین تنوع ایجاد شده و همچنین میراث فرهنگی و ملیت گوناگون دانش‌آموزان در کلاس‌های درس کنونی توجه به برنامه‌های آموزشی برای بازنگری مسئولیت‌های سیاسی و اخلاقی مدارس و دیگر ذی‌نفعان آموزش و پرورش به امری ضروری تبدیل شده است. مسائلی چون عدالت، تنش‌ها و فرصت‌ها و بازده‌های آموزشی که به واسطه وجود هویت‌های فرهنگی مختلف در یک قلمرو آموزشی به‌وجود می‌آیند چالش‌هایی را برای مریبان و سیاست‌گذاران آموزشی در سراسر دنیا ایجاد می‌کند.

در نظام قانونی کشورهای عضو سازمان همکاری و رشد اقتصادی (برخی از کشورهای اروپایی و آمریکا) دسترسی به آموزش ابتدایی و متوسطه را برای تمامی دانش‌آموزان بدون توجه به ملیت و وضع قانونی آنها فراهم نموده است. اما با این‌همه، موانع موانعی برای ثبت نام مهاجران و پناهندگان در مدارس واقعی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به پیش‌داوری و ترس از بیگانه در مدارس، و ناتوانی مدارس در برقراری ارتباط با تجارب پیشین تحصیلی این مهاجران و راهنمایی گرفتن از آن برای سازگاری فرد با شرایط تحصیلی جدید اشاره نمود. افزون بر این، نرخ بالای اخراج و ترک تحصیلی در بین دانش‌آموزان مهاجر نشان‌دهنده مسائل کلیدی در رابطه با آموزش مهاجران می‌باشد (فیگازولو^۲، ۲۰۰۷). کیفیت آموزش‌های ارائه شده به مهاجران نیز باید مورد سؤال قرار بگیرد، در بسیاری از موارد توجه بسیار کمی در تربیت معلم برای تدریس و آموزش در کلاس‌های درس چندفرهنگی و چندزبانه می‌شود و حتی در سطح مدرسه نیز سرمایه‌گذاری و حمایت کمی از این موضوع می‌شود.

باید گفت که آموزش^۳ به طرز مهمی به‌عنوان چهارمین ستون و یا ستون مرکزی نیازهای انسان بعد از غذا، پناهگاه و سلامتی محسوب می‌شود (انجمن پناهجویان نروژ^۴، ۱۹۹۹؛ میدتون و همکاران^۵، ۲۰۰۰). کودکان موجوداتی آسیب‌پذیر و وابسته هستند؛ آنها نه تنها از لحاظ فیزیکی،

1. Adams & Kirova
2. Figazzolo
3. Education
4. Norwegian Refugee Council
5. Midttun et al



بلکه از لحاظ ذهنی نیز در حال رشد هستند. حوادث و خشونت‌ها، از هم‌پاشیدگی خانواده و جامعه رشد و سلامت جسمی روی کودکان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (کمیسون عالی پناهجویان سازمان ملل^۱، ۱۹۹۴). در این بین آموزش فرصت‌هایی را برای خانواده‌ها و جوامع در راستای درمان فرایندهای مرتبط با آسیب‌های وارد شده (از جمله مهارت‌ها) و فراگیری مهارت‌ها و ارزش‌های مورد نیاز برای آینده‌ای صلح‌آمیزتر و حکمرانی محلی و ملی فراهم می‌کند.

در وضعیت کنونی خاورمیانه و آشفته‌گی و جنگ‌های موجود در منطقه و از طرفی ثبات و امنیت در ایران باعث جاده‌ی مهاجران بسیاری در خود شده است. بیشتر این مهاجران از کشورهای نظیر افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه بوده‌اند. اما در این بین تعداد مهاجران افغان به مراتب بیشتر از دیگر مهاجران بوده است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ و نتایج جدول "جمعیت برحسب جنس، سن و تابعیت" از مجموع افراد ساکن در ایران در زمان سرشماری، یک میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ افراد با تابعیت افغانستان در ایران حضور دارند. در ادامه این گزارش آمده است که بررسی نتایج جداول "جمعیت برحسب جنس، سن و تابعیت در نقاط شهری و روستایی" نیز نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از جمعیت افراد با تابعیت افغانستان در مناطق شهری زندگی می‌کنند. بر این اساس، یک میلیون و ۲۴۲ هزار نفر و ۳۳۲ نفر با تابعیت افغانستان در نقاط شهری و ۳۴۰ هزار و ۹۶۸ نفر نیز در نقاط روستایی زندگی می‌کنند (وزارت کشور، ۱۳۹۵).

از این رو آموزش فراگیران و توجه به چالش‌های آموزشی مهاجران^۲ در ایران بخصوص مهاجران افغان به چند دلیل حائز اهمیت است: ۱. تحقیق خاصی در این زمینه صورت نگرفته است ۲. فاصله چشمگیری بین دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی در موفقیت تحصیلی وجود دارد. ۳. زبان و لهجه این دانش‌آموزان تا حدودی با دانش‌آموزان ایرانی متفاوت است. ۴. دانش‌آموزان افغان نسبت به دیگر مهاجران از خانواده‌های محروم‌تری وارد چرخه آموزشی می‌شوند. ۵. آنها بزرگترین گروه مهاجر در ایران هستند که رشد روزافزونی نسبت به دیگر گروه‌های مهاجر دارند. ۶. دارای ریزش تحصیلی زیاد می‌باشند و قرابت فرهنگی کمی با ایران دارند. ۷. این گروه از مهاجران بخش قابل توجهی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند که بی‌توجهی به آنها مشکلات عدیده‌ای در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی برای کشور به وجود می‌آورد. تمامی این فاکتورها به صورت فردی یا ترکیبی در حال به چالش کشیدن برنامه‌های درسی سنتی^۳ موجود برای این مهاجران می‌باشند. در نتیجه توجه به چالش‌های آموزش مهاجران منجر به دستیابی نتایج آموزشی بهتر و دست یافتن به فرصت‌های طولانی‌مدت‌تر برای مشارکت در جامعه‌ای می‌شود که خود بخشی از آن هستند.

1. United Nations High Commissioner for Refugees
2. Refugee Curriculum
3. Traditional Curriculum



بنابراین این تحقیق به دنبال شناسایی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آموزشی مهاجران به منظور برآورده کردن نیازهای خاص این گروه می‌باشد. به عبارتی، پژوهش حاضر با توجه به اینکه جامعه جهانی به سمت پذیرش حقوق ویژه مهاجران در آموزش و تدوین برنامه‌های آموزشی خاص این گروه در حال حرکت است به دنبال پرسش‌های اساسی زیر است:

- برنامه‌درسی ویژه مهاجران افغان دارای چه مشخص‌ها و ویژگی‌هایی است؟
- عوامل علی دخیل در برنامه‌درسی ویژه مهاجران کدام‌اند؟
- عوامل زمینه‌ای دخیل در برنامه‌درسی ویژه مهاجران کدام‌اند؟
- عوامل مداخله‌ای دخیل در برنامه‌درسی ویژه مهاجران کدام‌اند؟
- پیامدهای برنامه‌درسی ویژه مهاجران چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

در تحقیق حاضر از روش نظریه داده‌بنیاد بهره گرفته شده است، روش داده‌بنیاد دارای سه طرح عمده می‌باشد که عبارتند از طرح نظام‌مند، طرح روییدنی، طرح ساختن‌گرایانه (کرسول، ۲۰۱۱). در این تحقیق، از طرح نظام‌مند استفاده شده است. این طرح که در سال ۱۹۹۰ توسط اشتراوس و کوربین پایه‌گذاری شد، بر تدوین یک تصویر عینی از نظریه قالب شش مؤلفه اصلی تأکید می‌ورزد: شرایط علی، بافت، مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها. الگوی فرایند تحقیق در روش نظریه داده‌بنیاد عمدتاً شامل مراحل زیر است: نمونه‌گیری نظری، کدگذاری نظری و تدوین نظریه (فلیک، ۲۰۰۶). در تحقیق حاضر نیز برای پاسخ‌دهی به سؤال پژوهش، به اجرای مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با افراد نمونه پژوهش که تجارب زیسته ارزشمندی در رابطه با پدیده مورد پژوهش داشتند اقدام شد، فرایند گردآوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت و بعد از ۳۰ مصاحبه اشباع صورت گرفت. در بحث سنجش اعتبار پژوهش، سؤالات مصاحبه بعد از طراحی توسط ۶ تن از استادان متخصص در حوزه مربوطه اصلاح و تأیید گردید. برای ثبت مصاحبه‌ها، همه مکالمات انجام شده به صورت صوتی ضبط شد. سپس مصاحبه‌های ضبط شده توسط خود پژوهشگر به دقت گوش داده شد و کلمه به کلمه نوشته شد. بعد از اینکه مصاحبه ضبط شده به صورت مکتوب درآمد، برای تأیید روایی مصاحبه‌ها از روش "چک اعضا" استفاده شد. بدین ترتیب که متن مکتوب مصاحبه دوباره برای شرکت‌کنندگان فرستاده شد تا صحت و سقم مطالب تأیید و در صورت لزوم مطالب اصلاح گردد. برای تحلیل داده‌ها از سه روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد که نتیجه آن در قالب ۱۲ مقوله و سی زیرمقوله استخراج و نام‌گذاری و ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

پس از عملیاتی کردن مجموع ۳۰ مصاحبه با استادان خبره و معلمانی که در ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان افغانستان بودند و مطالعه چندین باره آنها الگویی متشکل ۱۲ مقوله اصلی و ۳۰ مقوله فرعی ارائه گردید. مقوله‌های فرعی که ذیل بعد شرایط علی قرار گرفتند عبارت بودند از: حقوق شهروندی، حقوق بشر، مشترکات فرهنگی، چالش‌های زبانی، انسجام فرهنگی، سازگاری فرهنگی، وجود اقلیت‌ها، مجاورت جغرافیایی، حق همسایگی. مقوله‌های فرعی در بعد زمینه‌ای عبارتند از: امنیت شکننده، ناآگاهی قومی، نگاه زاویه‌دار به فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌های مذهبی. خرده‌مقوله‌های بعد مداخله‌ای عبارت بودند از: خودبرتری، دگرهراسی، سیاسی‌کاری افراطی، دید امنیتی، تعصبات قومی. خرده‌مقوله‌های مربوط به بعد راهبردها عبارت بودند از: تدوین برنامه درسی چندفرهنگی، تدوین برنامه درسی تلفیقی، آگاهی‌سازی فرهنگی، احترام به تفاوت‌ها، پذیرش دیگری، انکار تفاوت‌های فرهنگی، سرکوب تفاوت‌های فرهنگی. مقوله‌های فرعی بعد پیامدی نیز عبارت بودند از: ارتقای وجه بین‌المللی، گسترش مناسبات سیاسی، کاستن هزینه‌های ناشی از بزهکاری، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، انتقال فرهنگی، تحقق عدالت آموزشی همبستگی فرهنگی. همچنین برنامه درسی فراگیر ویژه مهاجران به‌عنوان مقوله‌محوری یافت شد. در بخش زیر هر یک از عوامل یادشده پرداخته خواهد شد.

مقوله محوری: برنامه درسی فراگیر، برنامه‌ای است که تمامی ابعاد یادگیرندگان را مورد توجه و پوشش قرار می‌دهد. چنین برنامه درسی فقط بر یک بعد خاص (به‌طور مثال شناختی) تمرکز ندارد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر به کرات و به شکل‌های مختلف به ضرورت چنین برنامه درسی برای دانش‌آموزان مهاجر افغان اشاره کرده بودند. به نظر می‌رسد که در نظام آموزش و پرورش کنونی کشور وجود خالی چنین برنامه درسی مشهود است. این امر نه تنها در مورد دانش‌آموزان مهاجر، بلکه در مورد قومیت‌هایی که در درون کشور زندگی می‌کنند نیز مصداق دارد. صحبت از مسائلی چون عدم تناسب برنامه‌های درسی با نیازهای فراگیران (مشارکت‌کننده شماره ۲۶: دانش‌آموزان افغانستانی به‌سختی با برنامه‌های درسی ارتباط برقرار می‌کنند) یا بی‌توجهی برنامه درسی به نیازهای زیستی (مشارکت‌کننده شماره ۶: بعضی از این دانش‌آموزان افغان حتی یه وعده درست حسابی غذا گیرشون نمیداد) یا عاطفی دانش‌آموزان مهاجر (مشارکت‌کننده شماره ۱۴: خیلی از این دانش‌آموزا به تازگی وارد کشور شدن و حتی در فرایند مهاجرت پدر یا مادرشون رو از دست دادن) که درگیر شدیدترین آسیب‌های روحی ناشی از فرایند مشقت‌بار مهاجرت بوده‌اند، همگی گواه بر نقصان برنامه‌های درسی موجود برای این دسته از فراگیران است. نظام آموزشی که خود می‌بایست نمونه کوچک‌شده جامعه باشد، اکنون فاقد

چنین ویژگی و گاه مخالف آن بوده است. جامعه چندفرهنگی چون ایران نیاز به توجه به تمامی قومیت‌ها (چه قومیت‌های درون کشور و کسانی که از بیرون مهاجرت کرده‌اند) در همه ابعاد دارد و مسیر رسیدن به چنین مقوله مهمی جز از طریق آموزش و پرورش و برنامه‌درسی فراگیر (مشارکت‌کننده شماره ۴: به نظر من تا زمانی که آموزش و پرورش نیازهای همه‌جانبه این دانش‌آموزان رو تشخیص ندهد، تدریس امثال من آب در هاونگ کوبیدن است) میسر نیست؛ بنابراین توجه به این نوع برنامه‌درسی در زمان و مکان مناسب به‌خصوص برای دانش‌آموزان مهاجر از اهمیت حیاتی برخوردار است (مشارکت‌کننده شماره ۱۹: اگر توی یه جمله بخوام بهتون بگم، نوش‌دارویی که میشه برای نجات و شکوفایی دانش‌آموزای مهاجر تجویز کرد، چیزی نیست جز یه برنامه‌درسی کاملاً جامع).

شرایط علی: در رویکرد نظریه داده بنیاد، شرایط علی به عوامل یا رویدادهایی اشاره دارد که منجر به شکل‌گیری پدیده یا مقوله محوری می‌شوند (کرسول، ۲۰۱۱). بر اساس داده‌های حاصل از پژوهش حاضر عواملی که منجر به توجه و شکل‌گیری برنامه‌درسی فراگیر ویژه مهاجران می‌شود را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

جدول شماره ۱: شرایط علی

نوع مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
شرایط علی	۱. ضرورت‌ها	۱-۱. حقوق شهروندی
		۱-۲. مشترکات فرهنگی
		۱-۳. تفاوت‌های زبانی
		۱-۴. انسجام فرهنگی
	۱-۵. سازگاری فرهنگی	
۲. بافت جامعه	۲-۱. وجود اقلیت‌ها	
	۲-۲. مجاورت جغرافیایی	
	۲-۳. حق همسایگی	

حقوق شهروندی: افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند به‌عنوان شهروندان آن جامعه از حقوق شهروندی برخوردارند. دولت‌ها و حکومت‌ها مکلف به رعایت حقوق شهروندی هستند. یکی از ابعاد حقوق شهروندی بر خوداری از آموزش است. مهاجران نیز به‌عنوان شهروندان یک جامعه می‌بایست از این حق آموزش برخوردار باشند. یکی از شرکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

طبیعی است که وقتی مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، باید از امکانات آن کشور زندگی استفاده کنند و از حق شهروندی خود به‌عنوان یک انسان برخوردار باشند. درست است



که این شهروندان از افغانستان هستند، اما امروز در سرزمین ایران مهاجر هستند (مشارکت‌کننده ۲۱).

حقوق بشر: رعایت حقوق انسان‌ها جدای از قومیت و نژاد آنها یکی از اصول اساسی حقوق بشر است. یکی از نمادهای رعایت حقوق بشر، ارائه آموزش‌های کافی و با کیفیت به مهاجرانی است که به سرزمین‌ها دیگر پناهنده شده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

از انسان‌ها در هر محیط و نقطه‌ای از جهان باید حمایت شود. هر کشوری که مهاجران می‌روند، بنابر حقوق بشر همون کشور باید توجه بهتری به آموزش و پرورش مهاجران داشته باشد (مشارکت‌کننده ۲۹).

مشترکات فرهنگی: ایران و افغانستان از اشتراکات فرهنگی و اجتماعی و تاریخی بسیاری برخوردارند که این مسئله ضرورت پرداختن به آموزش دانش‌آموزان افغان را دو چندان می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

افغانستان و ایران دارای مشترکات بسیاری دارند. مشترکات فرهنگی و تاریخی و دیگر افتخارات مشترکی دارند و حتی نحوه صحبت ما مشترک است. امروز ادبیات ما مشترک است. بیشترین شاعران فارسی زبان از سرزمین افغانستان هستند؛ مثل رودکی سمرقندی. پس وقتی این دو سرزمین، دین، ادبیات و تاریخ مشترک دارند؛ اینکه مرزهای جغرافیای مشخص شده بحثی جداگانه دارد. اما به عنوان یک انسانی که اینجا زندگی میکنند به عنوان یک شهروند به عنوان یک کودک و نوجوان حق مسلم آنهاست که از امکانات و تسهیلات از جمله آموزش برخوردار شوند (مشارکت‌کننده ۲۵).

تفاوت‌های زبانی: مهاجران در هر کشوری با مشکل در زبان آموزی برخوردارند. مهاجران افغانستانی نیز در ایران از لحاظ زبانی به خصوص لهجه با مشکلاتی روبه‌رو هستند. یک مشارکت‌کننده در این باره بیان می‌کند که:

نکته بعدی که می‌خواهم بهش اشاره کنم لهجه این مهاجران هست که بعضی اوقات از طرف دانش‌آموزان دیگه مورد تمسخر قرار می‌گیرند و باید در این زمینه فرهنگ‌سازی کنیم که این دانش‌آموزان مورد تمسخر قرار نگیرند (مشارکت‌کننده شماره ۳).

انسجام فرهنگی: لازمه ایجاد اتحاد و وحدت فرهنگی در هر جامعه‌ای به خصوص در جوامع چندفرهنگی آموزش به تمامی قومیت‌های آن کشور اعم از مهاجر و غیرمهاجر است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

ببینید به نکته‌ای که من می‌خواهم بگویم این است که ایران دارای تنوع فرهنگی هست، خب تنوع فرهنگی چیز خوبی است، اما اگر نشه آموزش درستی بدیم ممکنه تنوع فرهنگی معکوس عمل کنه و چندپارگی فرهنگی به وجود بیاد، پس یه راه داریم برای حفظ انسجام فرهنگی و اونم چیزی نیست جز آموزش (مشارکت کننده شماره ۲۶).

سازگاری فرهنگی: بدون شک یکی از عوامل مهم در آموزش مهاجران در هر کشوری سازگاری آنها با فرهنگ کشور مقصد است. دانش‌آموزی که می‌خواهد در کشور ثانویه زندگی کند، باید قادر به هضم و سازگاری با فرهنگ آن کشور باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید: مهاجری که به ایران میاد، فرقی نمیکنه افغانستانی باشه یا عراقی یا از هر کشور دیگه‌ای، این مهاجر باید بتونه توی ایران شهروند خوبی باشه و با فرهنگ اینجا آشنا و سازگار بشه (مشارکت کننده شماره ۱۹).

وجود اقلیت‌ها: ایران کشوری است که از دیرباز مهد بسیاری از اقوام و فرهنگ‌های مختلف بوده است، وجود این اقوام ضرورت آموزش قومیت‌های گوناگون از جمله دانش‌آموزان افغان را بیش از پیش برجسته می‌سازد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که: ایران کشور نوپدیدایی نیست، شما تاریخ رو ببینید و مطالعه کنید، متوجه میشوید که قرن‌ها پیش اقوام مختلفی توی ایران زندگی می‌کردن، به نظر من این مسئله (آموزش اقوام) باید حل شده باشه، نه اینکه بعد از قرن‌ها هنوز درگیرش باشیم (مشارکت کننده شماره ۱۰).

حق همسایگی: ایران و افغانستان از لحاظ جغرافیایی دو کشور نزدیک به هم و همسایه هستند. کشورهای همسایه از ابعاد مختلف نسبت به یکدیگر تعهدات و حق و حقوقی دارند. بهره‌مندی دانش‌آموزان افغانستانی از آموزش مطلوب در ایران نیز یکی از این حق و حقوق‌هاست. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

در افغانستان افغان‌ها می‌گفتند جمهوری اسلامی ایران یک کشور دوست یک کشور هم‌زبان یک کشور دوست، اما متأسفانه به افغان‌ها این اجازه را نمی‌دهند، اما در پاکستان این اجازه را داشتند (مشارکت کننده شماره ۳۰).

راهبردها: راهبردها همان کنش‌ها و واکنش‌هایی هستند که جامعه در مقابل پدیده‌محوری از خود بروز می‌دهد (کرسول، ۲۰۱۱). داده‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که راهبردها به صورت زیر خود را نشان می‌دهند:

جدول شماره ۲: راهبردها

نوع مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
--------------	----------------	----------------

۱-۱. تدوین برنامه درسی چندفرهنگی	
۱-۲. تدوین برنامه درسی تلفیقی	۱. پذیرش
۱-۳. آگاهی‌سازی فرهنگی	
۱-۴. احترام به تفاوت‌ها	راهبردها
۱-۵. پذیرش دیگری	
۲-۱. انکار تفاوت‌های فرهنگی	۲. طرد
۲-۲. سرکوب تفاوت‌های فرهنگی	

تدوین برنامه درسی چندفرهنگی: برنامه درسی چندفرهنگی یکی از راه‌هایی مؤثر در آموزش قومیت‌ها از جمله دانش‌آموزان افغانستانی در ایران است. چنین برنامه درسی می‌تواند ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، باورها و اعتقادات گروه‌های مختلف قومی را به شیوه‌های گوناگونی تحت پوشش قرار دهد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

چه خوب است در کنار معلم ایرانی چند معلم افغان هم باشد و مطابق با فرهنگ خود نیز به بار آیند و با آن کاملاً بیگانه نباشند (مشارکت‌کننده شماره ۲۸).

تدوین برنامه درسی تلفیقی: در برنامه درسی تلفیقی سعی می‌شود ضمن پرداختن به فرهنگ غالب، دیگر فرهنگ‌ها به صورت نمادها، تصاویر، کلاس‌های فوق‌العاده یا آیین و شعائر مورد توجه قرار گیرند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

به عقیده من در ایران در جاهایی از ایران که تجمع افغان‌ها بیشتر است، اگر مدارس مخصوص افغانستانی‌ها تأسیس شود و معلم خاص خود را داشته باشند خوب است. اما در مناطقی که درصد کمتر است، اگر برای برخی از دروس معلم افغان گماشته شود، منجر به انگیزش و ترغیب دانش‌آموزان می‌شود. یکی از مزایای استخدام معلمان افغانستانی این است که می‌تواند فرهنگ ایرانی و افغانستانی را ترکیب و تلفیق نماید که این مسئله هم برای ایران و هم افغانستان خوب است (مشارکت‌کننده شماره ۲۷).

آگاهی‌سازی فرهنگی: آگاه ساختن فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف از یکدیگر و زدودن اطلاعات کاذب از جامعه یکی از روش‌های مناسب در آموزش مهاجران است که آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی گسترده می‌تواند زمینه چنین امری را فراهم کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

خیلی از ما اطلاعات کلیشه‌ای از فرهنگ‌های دیگر داریم. به‌نظرم آموزش و پرورش می‌تونه بستری برای آگاهی عمیق از دیگر فرهنگ‌ها باشه (مشارکت‌کننده شماره ۸)

احترام به تفاوت‌ها: آگاهی از تفاوت‌ها و محترم شمردن فرهنگ دیگر قومیت‌های یکی از مسائل مهم در آموزش مهاجران به‌خصوص شهروندان افغان است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

ما هنوز یاد نگرفتیم به تفاوت افکار و اندیشه‌ها و ظاهر احترام بذاریم، هنوز این مسئله رو هضم نکردیم که تفاوت به معنای تضاد نیست (مشارکت‌کننده ۹).

پذیرش دیگری: پذیرش عاری از قضاوت دیگری یکی از اساسی‌ترین مسائل در آموزش به-صورت عام و آموزش مهاجران افغان به صورت خاص است. نقطه آغاز آموزش با کیفیت پذیرش دیگری است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

دیگری رو باید اونجوری که هست مورد قبول قرار داد. لزوماً هر دیگری دشمن ما نیست ممکنه متفاوت فکر کنه، ولی حتماً دشمن نیست (مشارکت‌کننده شماره ۲۰).

انکار تفاوت‌های فرهنگی: یکی از واکنش‌ها به مسئله برنامه‌درسی ویژه مهاجران در وهله اول انکار تفاوت‌های فرهنگی و در وهله بعد ناپدید کردن لزوم چنین برنامه‌درسی است. یکی از مشارکت‌کنندگان در همین زمینه بیان می‌کند که:

متأسفانه سال‌هاست که این موضوع (تفاوت فرهنگی) نادیده گرفته میشه، انگار که اصلاً وجود خارجی نداره و همه مردم مثل هم و از یه فرهنگی هستن (مشارکت‌کننده شماره ۱۷).

سرکوب تفاوت‌های فرهنگی: سرکوب تفاوت‌های فرهنگی و تسویه فرهنگی یکی دیگر از واکنش‌های نسبت به برنامه‌درسی مهاجران است. یکی از مشارکت‌کنندگان در همین زمینه بیان می‌کند که:

انگار یه عده دوس دارن همه مثل خودشون فکر کنن، انگار که فقط حقیقت توی جیب اون‌ها هست و هر کس متناسب با فرهنگ خودش رفتار کنه بهش برچسب میزنن و ربطش میدن به مسائل امنیت کشور و... (مشارکت‌کننده شماره ۱۱).

عوامل زمینه‌ای: منظور از عوامل زمینه‌ای، عوامل خاصی هستند که منبعث از پدیده محوری بوده و بر راهبردهای اتخاذشده جامعه تأثیر می‌گذارد (کرسول، ۲۰۱۱). داده‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که عوامل زمینه‌ای را به‌صورت زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

جدول شماره ۳: عوامل زمینه‌ای

نوع مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
		۱-۱. امنیت شکننده
		۱-۲. ناآگاهی قومی
عوامل زمینه‌ای	۱. مسائل اجتماعی و فرهنگی	۱-۳. نگاه زاویه‌داری به فرهنگ‌های مختلف
		۱-۴. تفاوت‌های مذهبی

امنیت شکننده: امنیت چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بازیگری بسیار مهم در آموزش به صورت عام و آموزش مهاجران به صورت خاص دارد. امنیت می‌تواند مانند معلول آموزش باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه بیان می‌کند که:

ایران توی منطقه‌ای قرار گرفته که به شدت آشوب و هرج و مرج هست. هر روز به گروهی از به کشوری سر درمیاره و مدعی حکومت و خلافت میشه. امنیت این منطقه چندان پایدار نیست، به نظرم یکی از علت‌هاش همین آموزش بوده، آگه آموزش درستی به اقوام و فرهنگ‌های مختلف داده بشه شاید شاهد این چیزا نباشیم (مشارکت‌کننده شماره ۶).

ناآگاهی قومی: بی‌سوادی یا کم‌اطلاعی از دیگر فرهنگ‌ها و اقوام یکی از فاکتورهای مهم و تأثیرگذار در آموزش کافی و با کیفیت به مهاجران افغان است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

ما از کرد و ترک و لر و افغانستانی چه میدونم؟ فقط نحوه صحبت کردنشون؟ فقط نحوه لباس پوشیدنشون؟ به نظرتون اینا کافیه؟ (مشارکت‌کننده شماره ۷).

نگاه زاویه‌دار به فرهنگ‌های مختلف: به نظر می‌رسد که کلیشه‌های موجود در مورد فرهنگ‌های مختلف از جمله مهاجران افغان نقش پررنگی در زمینه آموزش به مهاجران افغان ایفا می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

روزی نیست سرکلاس درسم شاهد یه جوک با مضمون قومیت‌ها نباشیم. این جوک‌های قومیتی از کجا میاد؟ ریشه‌شون چیه؟ (مشارکت‌کننده شماره ۱).

تفاوت‌های مذهبی: هرچند دانش‌آموزان افغانستانی و ایرانی از لحاظ دینی دارای دین مشترکی به نام اسلام هستند، اما از لحاظ مذهبی با یکدیگر متفاوت هستند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

برخی اوقات که در مدرسه آیین‌های مذهبی برگزار میشه با وجود شباهت‌هایی که بین دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی در این زمینه وجود داره، اما برخی از این موارد برای دانش‌آموزان افغان چندان معنایی نداره و حضور اونها بیشتر نمادین هست تا واقعی (شرکت‌کننده شماره ۶).

عوامل مداخله‌ای: عوامل مداخله‌گر، عواملی هستند که بر انتخاب راهبردها توسط اعضای اجتماع تأثیر می‌گذارند (کرسول، ۲۰۱۱). بر اساس داده‌های تحقیق حاضر، این عوامل را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

جدول شماره ۴: عوامل مداخله‌ای

نوع مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
	۱. تعصبات	۱-۱. خودبرتری ۱-۲. دگرهراسی
عوامل مداخله‌ای	۲. ایدئولوژی‌زدگی	۲-۱. سیاست‌کاری افراطی ۲-۲. دید امنیتی ۲-۳. تعصبات قومی

خودبرتری: تلقی خود به عنوان فرهنگ برتر و کم‌انگاری دیگر فرهنگ‌ها از جمله مسائل مهم در آموزش مهاجران است. گرایش‌های خودبرترینانه منجر به سرکوب آموزش در دیگر فرهنگ‌ها می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

کم و بیش درگیری‌هایی بین ایرانیا و اینا رخ داده که سر به سر این دانش آموزا گذاشتن و درگیری شده. لهجه و قیافه شون رو مسخره میکنن و میگن شبیه مغولا هستید (مشارکت‌کننده ۱۷).

دگرهراسی: فرهنگ دگرهراسی یکی از مخرب‌ترین عوامل در پذیرش و آموزش دیگر فرهنگ‌ها هست. ایجاد ترس کاذب و هراس از دیگری بیگانه نقش پررنگی در آموزش مهاجران افغان دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

من فکر می‌کنم از بس توی کشور ما خودی و دیگری کردیم، یه نوع مرز کاذب ایجاد شده که هرکی جز خودی نیست، دیگری هست و دیگری خطرناکه (مشارکت‌کننده شماره ۱۷).

سیاسی‌کاری افراطی: تلقی هر پدیده‌ای به‌عنوان امر سیاسی و پیوند زدن آن به سیاست دریچه‌های آموزش را به روی آموزش بسیاری از مهاجران بسته است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

بعضی وقتا که توی کلاس درس مطلبی مرتبط با این دانش‌آموزان (فرهنگ و تاریخ و...) مطرح می‌کنم می‌بینم توی دفتر مدرسه بهم تذکر داده میشه که فلان چیز رو نگو خیلی بد میشه (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

دید امنیتی: امنیتی جلوه دادن آموزش قومیت‌ها و فرهنگ‌ها یکی دیگر از مسائل پیش روی آموزش مهاجران است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

بعضیا معتقدن که اگه ما به اینها (افغان‌ها) آموزش بدیم و دانشگاه و برن و پست و مقامی بگیرن کشور به هم میریزه. خب چطور یه ایرانی میره توی کانادا یا آمریکا درس میخونه، دانشگاه میره و شغل بهش میدن چیزی نمیشه؟ (مشارکت‌کننده شماره ۲۳).

تعصبات قومی: تعصبات قومی در بخش‌های مختلف یک جامعه از جمله فرهنگ و اقتصاد و... وجود دارد. آموزش نیز خالی از این تعصبات نیست. زمانی که بحث از آموزش مهاجران افغان

می‌شود این مسئله و جهت پرننگ‌تری به خود می‌گیرد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

بسا دیده می‌شود که برخوردهای متفاوتی با مهاجران افغان هست انگیزه‌هایی دارد. برای نمونه، می‌گویند افغان‌ها جای کار ایرانی‌ها را می‌گیرند (مشارکت‌کننده شماره ۲۴).

پیامدها: پیامدها نتایج قصد شده یا قصد نشده حاصل از به‌کارگیری و اتخاذ راهبردهاست (کرسول، ۲۰۱۱). بر اساس داده‌های حاصل از پژوهش حاضر، این عوامل را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

جدول شماره ۴: پیامدها

نوع مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
	۱. سیاسی	۱-۱. ارتقای وجه بین‌المللی ایران ۱-۲. گسترش مناسبات سیاسی
پیامدها	۲. اقتصادی	۲-۱. کاستن از هزینه‌های ناشی از آسیب‌های اجتماعی ۲-۲. سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی (یونسکو) ۳-۱. انتقال فرهنگی
	۳. اجتماعی و فرهنگی	۳-۲. تحقق عدالت آموزشی ۳-۳. همبستگی فرهنگی

ارتقای وجه بین‌المللی: آموزش مهاجران در تمامی کشورهای دنیا از جمله مسائلی که توجهات بین‌المللی بسیاری را در سراسر دنیا به سمت خود جلب کرده است، عملکرد خوب یا بد در این زمینه تأثیر بسزایی بر وجهه بین‌المللی کشورها دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

از نظر بین‌المللی نیز سازمان‌هایی مثل سازمان ملل متحد و یونسکو و یونسف ایران را جزو کشورهای مهاجرپذیر تلقی می‌کند و در این زمینه در ایران سرمایه‌گذاری می‌کند، افزون بر این، وجهه خوبی از کشور ایران به جهانیان نشان داده می‌شود (مشارکت‌کننده شماره ۲۸).

گسترش مناسبات سیاسی: ایران و افغانستان دو کشور همسایه و دارای مشترکات فرهنگی هستند. بدون شک آموزش دانش‌آموزان افغانستانی در ایران باب روابط سیاسی جدیدی را بین این دو کشور باز می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

از لحاظ سیاسی وقتی یک افغانستانی در ایران تحصیل کند و به کشور خود برگردد و در آنجا پست و مقامی بگیرد؛ چه در عرصه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اونا آمادگی این را دارند به ایرانی‌ها سهم بدن در بخش‌های مختلف فرهنگی، صنعتی و تبادلات فرهنگی چون جامعه ایران

رو به خوبی می‌شناسن و می‌تونن که با لهجه آنها آشنایی داشته باشند و منجر به تحکیم روابط دو کشور بشن (مشارکت‌کننده شماره ۲۳).

کاستن از هزینه‌های ناشی از آسیب‌های اجتماعی: آسیب‌های اجتماعی از لحاظ اقتصادی ضرر و زیان‌های هنگفتی برای یک کشور به بار می‌آورند. آموزش یکی از راه‌های پیشگیری از این آسیب‌هاست، این موضوع به‌خصوص درباره مهاجران که بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند مصداق بیشتری دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

همون طور که گفتیم هم از دید دینی و هم روان‌شناسی دانش در سلوک انسان‌ها تغییر وارد می‌کند. انسان‌ها را دگرگون می‌سازد. وقتی که انسان تغییر می‌کند و دانش فرامی‌گیرد نسبت به دیگران متفاوت می‌شود و در جامعه سودمند واقع می‌شود (مشارکت‌کننده شماره ۲).

سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی: حمایت از آموزش مهاجران در کشورهای مختلف توسط برخی از نهادهایی که ماموریت آنها پشتیبانی از مهاجران است یکی دیگر از مواردی است که می‌تواند نتیجه توجه به آموزش مهاجران باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

برخی از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی هستند که از آموزش مهاجران حمایت می‌کنن، مثلاً سازمان یونسکو وقتی بینه ایران نزدیک به نیم میلیون دانش‌آموز رو زیر چتر آموزش قرار بده حتماً از ایران حمایت می‌کنه (مشارکت‌کننده شماره ۳۰).

انتقال فرهنگی: انتقال فرهنگی یکی دیگر از پیامدهای مهم آموزش مهاجران است، می‌توان گفت که هر مهاجر، سفیری فرهنگی برای کشور مقصد محسوب می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

طبیعی است که وقتی کسی در یک کشوری درس می‌خواند، اندیشه‌ها، باورها و فرهنگ‌ها را انتقال می‌دهد. این به نفع کشوری هم هست که در اونجا پناهنده شده؛ چرا که فرهنگ آنها را انتقال می‌ده (مشارکت‌کننده شماره ۹).

روشنفکری: آموزش ذهن‌ها را باز و تعصبات را از بین می‌برد. مهاجرانی که درگیر جنگ و آشوب و تعصب بوده‌اند با آموزش‌های لازم می‌توانند ذهن‌های خود را پرورش داده و از تعصبات دوری جویند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

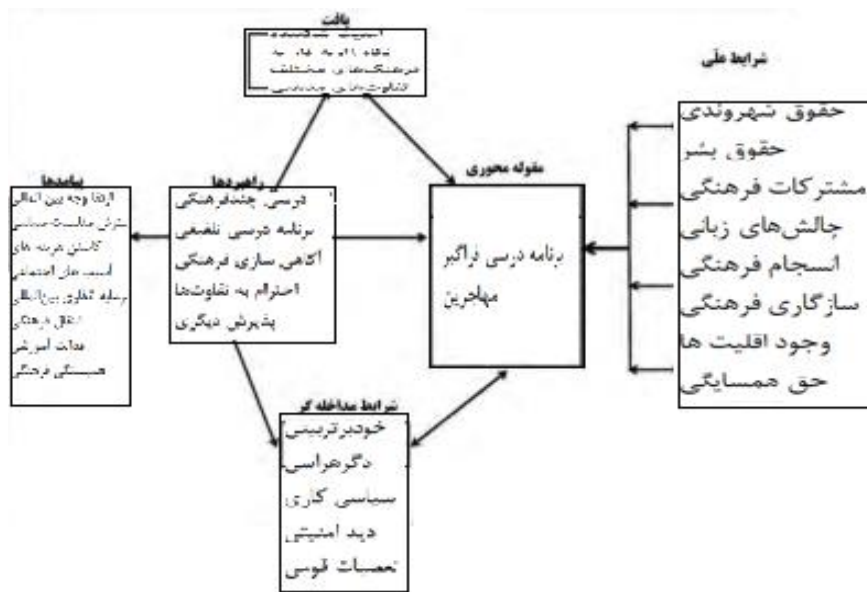
دانش چراغ است؛ وقتی که روشن می‌شه، اذهان رو روشن می‌کنه و به نفع کشوری است که در اونجا پناهنده شده و نور را انتقال می‌ده و دانش خودش بداتنه ارزشمند. طبیعی است که وقتی از تمدن بشری حرف می‌زنیم، برمی‌گرده به دانش. وقتی یه مهاجر با آموزش از افکار پوسیده دوری کنه، می‌تونه شهروند مطلوبی برای کشور مقصد بشه (مشارکت‌کننده ۱۱).

تحقق عدالت آموزشی: عدالت آموزشی از جمله مقوله‌هایی است که در تمامی کشورها برای جامعه عمل پوشیدن به آن تلاش می‌شود. آموزش مهاجران را می‌توان یکی از ابعاد عدالت آموزشی تلقی کرد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

وقتی دانش‌آموز افغانستانی و ایرانی کنار هم درس بخونن و پیشرفت کنن این چه پیامی به جامعه و دنیا می‌ده؟ بله نشون میده توی ایران به عدالت آموزشی داره اهمیت داده میشه (مشارکت‌کننده شماره ۲۲).

همبستگی فرهنگی: لازمه پرهیز از تضاد بین فرهنگ‌های مختلف، توجه یکسان به آنها در آموزش و... دیگر است. با آموزش می‌توان بین فرهنگ‌های مختلف اتحاد ایجاد کرد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

اگر مهاجران افغان در ایران به‌خوبی آموزش داده بشن، این مسئله باعث نزدیکی دو ملت ایران و افغانستان از لحاظ فرهنگی میشه (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).



تصویر ۱: الگوی برنامه درسی ویژه مهاجران

بحث و نتیجه‌گیری

دانش‌آموزان افغانستانی جمعیت قابل توجهی از جمعیت دانش‌آموزی ایران را تشکیل می‌دهد. مهاجرت افغان‌ها در دهه‌های اخیر به ایران با سرعت بالایی در حال انجام بوده است و این پدیده با مسائل و چالش‌ها برای نظام آموزشی ایران همراه بوده است؛ بنابراین توجه به مسائل آموزشی مهاجران افغان کانون پژوهش حاضر را تشکیل داده بود. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که عناصر برنامه درسی ویژه مهاجران در قالب عواملی چون عوامل علی، مداخله‌ای، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها قابل تبیین است. عواملی که با خرده‌مؤلفه‌های آن هر یک می‌تواند نقش بسزایی در تسهیل یا عدم تسهیل آموزش مهاجران داشته باشد. برای نمونه، زمانی که سخن از عواملی چون حقوق شهروندی، حقوق بشر، مشترکات فرهنگی، انسجام فرهنگی و مشترکات فرهنگی

می‌شود، می‌توانند به‌عنوان عواملی پیشران در آموزش دانش‌آموزان افغانستانی تلقی شوند. اما زمانی که سخن از عواملی چون انکار و سرکوب تفاوت‌های فرهنگی و نگاه زاویه‌دار به فرهنگ‌های مختلف می‌شود، می‌تواند همانند پتکی بر سر آموزش مهاجران افغان باشد و ادامه این راه را با مشکل مواجه سازد.

به‌طور کلی در دهه‌های اخیر جریان مهاجرت به‌خصوص در خانواده‌های دارای فرزندان محصل، به‌شدت افزایش پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۱۲ درصد از دانش‌آموزان ۱۵ساله عضو کشورهای همکاری اقتصادی دارای پیش‌زمینه مهاجرتی بوده‌اند (سازمان همکاری اقتصادی، ۲۰۱۵). این آمار حاکی از چالش‌های عظیمی برای معلمان و مدارس است. رشد روزافزون دانش‌آموزان مهاجر، به‌طور عمیقی نظام آموزشی را برای رویارویی با چالش‌ها و تضمین رشد مهارت‌ها و ارتقای انسجام در جمعیت متنوع دانش‌آموزی به چالش کشیده است. شکاف تحصیلی بین دانش‌آموزان نژادهای گوناگون نیز به‌طور پیوسته‌ای در حال افزایش است (فریر و لویت، ۲۰۰۴). از طرفی نظام آموزشی که مشخصه آن طبقه‌بندی دانش‌آموزان باشد، می‌تواند منجر به جدایی آموزشی بین دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌ای محروم شود که این امر نیز به نوبه خود منجر به کاهش کیفیت در دانش‌آموزان و معلمان (بتس، ۲۰۱۱)، و تقویت تأثیرگذاری پیش‌زمینه خانوادگی بر تحصیلات و کسب شغل می‌شود (گایون و همکاران، ۲۰۱۱). باید گفت که مهاجرت به شیوه‌های مختلفی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهاجرت می‌تواند تجارب مثبت و منفی را برای دانش‌آموزان به ارمغان بیاورد، بنابراین مهاجرت فرابندی پیچیده همراه با فرصت‌ها و موانع است که بر رشد دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. تمامی دانش‌آموزان مهاجر تجربه مشترکی دارند از داشتن خانواده‌ای که ریشه در کشوری دیگر دارد و هم‌اکنون در کشوری جدید با فرهنگ، زبان و مذهب زندگی می‌کنند. دانش‌آموزان زودتر و سریع‌تر از والدین خود به ارتباط با فرهنگ کشور جدید می‌پردازند. این امر بدین دلیل است که دانش‌آموزان بیشتر در معرض فرهنگ جدید قرار می‌گیرند، برای مثال به مدرسه می‌روند و آنجا سریعاً زبان جدید را یاد می‌گیرند و نسبت به والدین خود در موقعیت جدید موفق‌تر عمل می‌کنند. افزون بر این یادگیری زبان جدید برای دانش‌آموزان آسان‌تر از بزرگسالان است؛ چرا که آنها آموزش‌های کارا و مؤثری را در مدارس دریافت می‌کنند (رایکورس، ۲۰۰۶).

فاکتورهای بسیاری وجود دارد که چگونگی سازگاری دانش‌آموزان مهاجر با کشورهای جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد از جمله این فاکتورها می‌توان به عوامل فرد، جمعی و اجتماعی اشاره کرد (راگناراسدوتیر، ۲۰۰۷). تحقیقات حاکی از آن هستند که دانش‌آموزان مهاجر با طیفی از نیازهای آموزشی و محیطی روبه‌رو هستند. عواملی نظیر پیش‌زمینه اقتصادی و اجتماعی، تحرک مکانی و فائق آمدن بر استرس عاطفی مهاجرت به دلیل تغییر در محیط اجتماعی جدید و محیط مدرسه همواره دانش‌آموزان مهاجر را با چالش‌هایی روبه‌رو می‌سازد. افزون بر این، دانش‌آموزان

پناهجو ممکن است با مشکلات شدیدتری نظیر ترومای مرتبط با جنگ، آشفتگی خانوادگی و طلاق والدین سروکله بزنند (مارزی، اراسا و مورگامی، ۲۰۱۲؛ سارز و اروکوز-سارز و اروکوز، ۲۰۰۱).

دانش‌آموزان مهاجر از پیش‌زمینه‌های گوناگون ممکن با تحت تأثیر قراردادن تجارب دانش-آموزان دیگر منجر به خلق چالش‌هایی برای نظام آموزشی کشور جدید شوند. مطابق با گفته‌های سارز و اروکوز (۲۰۰۱) مهاجر هنگامی که دانش‌آموزان به کشور جدید می‌رسند، احساس تروما و تضاد می‌کنند؛ بنابراین نیازهای خاصی دارند که باید قبل از ورود به مدرسه مورد مشاوره و حمایت قرار گیرند. سارز و اروکوز (۲۰۰۱) بر این باورند که سطح سازگاری دانش‌آموزان ارتباط مستقیمی با عملکرد آنها در مدرسه دارد.

بنابراین آموزش یکی از خدمات اساسی ارائه‌شده برای مهاجران است؛ چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه. این آموزش ممکن است مربوط به گذشته، حال و یا آینده مهاجران باشد و نقشی اساسی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها ایفا می‌کند. مطابق با گفته‌های آسیدو (۲۰۰۱) افراد مهاجر نیازمند مجهز شدن به مهارت‌هایی هستند که آنها را قادر به فائق آمدن به آینده‌ای سازد که ممکن است پس از بازگشت به کشور خود با آن روبه‌رو شوند. آموزش فرایندی است که افراد از طریق آن دانش، نگرش، مهارت و رفتارهای اخلاقی را فرامی‌گیرند. معلمان چهارچوب انتقالی و عمل اصلی آموزش هستند. آنها برنامه‌ی درسی، جدول زمانی، روش‌های آموزش و... را فراهم می‌کنند (طالبی، ۲۰۰۵). در طول جنگ و خصومت مردم به دنبال فرار از آن و نجات جان خود هستند و استراتژی زنده ماندن به استراتژی غالب مبدل می‌شود. در چنین شرایطی آموزش به امری دست دوم فروکش می‌کند. البته در شرایط بحرانی اهمیت به آموزش از لحاظ روانی و تربیتی علی‌الخصوص برای نوجوانان و کودکان اهمیت ویژه‌ای دارد. آموزش می‌تواند مسیری نو و نرمال نسبت آینده آنها ایجاد کند و آنها را در آموزش‌های مرتبط با زندگی به‌عنوان یک انسان درگیر سازد (سینکلایر، ۲۰۰۱). فقدان آموزش، ضربات سهمگینی به روان مهاجران می‌زند. هنگامی که آموزش وجود نداشته باشد، دانش‌آموزان و نوجوانان مهاجر منزوی می‌شوند و خاطرات آسیب‌زا، ترس، کابوس و خشونت بخشی از زندگی آنها می‌شود (میتلر، ۲۰۰۰، سومارز، ۱۹۹۹).

از این رو آموزش برای مهاجران امری ضروری است؛ چرا که به آنها کمک می‌کند استرس-های خود را تسکین بدهند و امید خود را به‌دست آورند و همچنین اطلاعاتی را درباره چگونگی فائق آمدن بر چالش‌های روزمره زندگی به آنها ارائه می‌دهد. پس آموزش به‌عنوان پایه اطلاعاتی برای محیط جدید و جهت‌گیری‌های فرهنگی آن عمل می‌کند. در تمام طول زندگی آموزش

همانند چراغی است که مسیر موفقیت و رشد را روشن نگه می‌دارد و در این زمینه مهاجران نیز مستثنا نیستند.

همان‌طور که بیان شد، مسائلی چون سازگاری فرهنگی، فائق آمدن بر استرس‌های ناشی از مهاجرت، ارتقای سطح کیفی زندگی، پرهیز از انزوا، رعایت حقوق دانش‌آموزان، دوری از تعصب و مشکلات زبانی از جمله مواردی هستند که لزوم آموزش مهاجران را دوچندان می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز سعی بر آن شد که به در نظر گرفتن شرایط علی، مداخله‌ای، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها اقدام به طراحی برنامه‌درسی فراگیر ویژه مهاجران پرداخته شود. در تحقیق حاضر به فاکتورهایی چون حقوق شهروندی، حقوق بشر، مشترکات فرهنگی، چالش‌های زبانی، انسجام فرهنگی، سازگاری فرهنگی، وجود اقلیت‌ها، مجاورت جغرافیایی و حق همسایگی، در قالب ضرورت و بافت جامعه به‌عنوان عواملی در شکل‌گیری برنامه‌درسی مهاجران پرداخته شد. عوامل زمینه‌ای این نوع از برنامه‌درسی در قالب مسائل فرهنگی و اجتماعی را نیز مواردی چون امنیت شکننده، نگاه زاویه‌دار به فرهنگ‌ها و تفاوت‌های مذهبی تشکیل می‌داد. عوامل مداخله‌ای در قالب تعصبات و ایدئولوژی‌زدگی و مشتمل بر خودبرتربینی، دگرهراسی و تعصبات قومی می‌شد. راهبردها در قالب چندفرهنگی‌گرایی و تکثر و مواردی چون برنامه‌درسی چندفرهنگی، تلفیقی، آگاهی‌سازی فرهنگی، احترام به تفاوت‌ها، پذیرش دیگری، انکار و سرکوب تفاوت‌های فرهنگی دربرمی‌گرفت و در نهایت پیامدهای ناشی از آن در چهار قالب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که شامل مواردی چون ارتقای وجه بین‌المللی، گسترش مناسبات سیاسی، کاستن هزینه‌های ناشی از بزهکاری، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، انتقال فرهنگی، تحقق عدالت آموزشی و همبستگی فرهنگی ارائه شد.

پیشنهادها

۱. تغییر و اصلاح برنامه‌درسی از تمرکز بر یکپارچه‌نگری به سمت تنوع قومی و فرهنگی
۲. بازنگری در عناصر چهارگانه برنامه‌درسی (هدف، محتوا، روش، ارزشیابی) و توجه به واقعیت‌های زندگی دانش‌آموزان مهاجر به‌خصوص مهاجران افغانستانی
۳. توجه به پیش‌زمینه‌ها و شرایط مهاجران افغان و لحاظ کردن آنها در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظام آموزش عمومی
۴. تغییر در برنامه‌های تربیت معلم به‌گونه‌ای که معلمان نسبت به شرایط و ویژگی‌های دانش‌آموزان افغان درک کافی را کسب کنند.

محدودیت‌ها

۱. پژوهش حاضر در زمینه مهاجران افغانستانی و امکان بررسی دیگر مهاجران از جمله پاکستانی‌ها و عراقی‌ها میسر نبود.

۲. در این مطالعه به استادان و اعضای هیئت علمی افغانستانی خارج از کشور دسترسی نداشتیم تا مصاحبه‌هایی را تنظیم کنیم.

فهرست منابع

- Adib Haj Bagheri, Mohsen; Parvizi, server; Salsali, Mahvash (2011) *Qualitative research methods*, Tehran. Publication and human propaganda. [Text In Persian]
- Abubakar, A., van de Vijver, F. J.R., Mazrui, L., Arasa, J., & Murugami, M. (2012). Ethnic identity, acculturation orientations and psychological wellbeing among adolescents of immigrant background in Kenya. In Garcia Coll. C. (Ed.), *The impact of immigration on children's development: Contributions to human development* (pp. 99-121).
- Adams, L.D. & Kirova, A. (eds) (2006) *Global Migration and Education. Schools, Children, and Families*. Lawrence Erlbaum Associates, Mahwah, New Jersey & London, p. xiii
- Advocates for Children of New York (2010). *Students with interrupted formal education: A Challenge for New York City Public Schools*.
- Batalova, J., Fix, M., & Murray, J. (2007). *Measures of change: The demography and literacy of The Demography and Literacy of Adolescent English Learners A Report to Carnegie Corporation of New York*. Washington, DC: Migration Policy Institute.
- Betts, J. (2011). *The economics of tracking in education*. Handbook of the Economics of Education 3(341-381), 4.
- Blake, B. (2001). *Fruit of the devil: Writing and English language learners*. Language Arts, 78(5), 435-441.
- Brown, P. (2011, March 12). *Itinerant life weighs on farm workers' children*. The New York Times p. 18A.
- Brunello, G. and D. Checchi (2007). Does school tracking affect equality of opportunity? new international evidence. *Economic Policy* 22(52), 781-861
- Bylund, J. (2011). Thought and second language: A Vygotskian framework for understanding BICS and CALP. *National Association of School Psychologists*, (39)5, 4-6.
- Dempster, H., and Hargrave, K. (2017) *Understanding public attitudes towards refugees, migrants and migration*. London: ODI. Retrieved from: <https://www.odi.org/publications/10826-understanding-public-attitudes-towards-refugees-and-migrants>
- Driessen, G., Smit, F., Slegers, P. (2005). Parental involvement and educational attainment. *British Educational Research Journal*, (31)4, 509-532
- Ezell, H, Gonzalez, M., Randolph, E., (2000). *Emergent literacy skills of migrant Mexican American preschoolers*. *Communication Disorders*, 21(3), 147-153.
- Figazzolo, L. (2007). *Education behind bars or as self-service? Unions struggle for access to education for refugee and migrant children*, Education International Report.
- Fong, R. (2004). *Context and environments for culturally competent practice*, In Fong, R. (Eds.), *Culturally competent practice with immigrant and refugee children and families* (1st ed., pp. 39-59). New York. NY: Guilford Press.
- Freeman, D.E., Freeman, Y.S. &Mercuri, S.P. (2002). *Closing the achievement gap: how to reach limited formal schooling and long-term English learners*. Chicago: Heinemann.

- Fryer Jr, R. G. and S. D. Levitt (2004). Understanding the black-white test score gap in the first two years of school. *Review of Economics and Statistics* 86(2), 447–464.
- Garcia, B. (2008). *Theory and social work practice with immigrant populations*. In F. Gibson, M. (2003). *Improving graduation outcomes for migrant students*. *Rural Education and Small Schools* 17(3), 57-79.
- Green, P. (2003). The undocumented: Educating the children of migrant workers in America. *Bilingual Research Journal*, (27)1, 51-71.
- Guyon, N., E. Maurin, and S. McNally (2012). The effect of tracking students by ability into different schools a natural experiment. *Journal of Human Resources* 47(3), 684–721
- Haftah Nameh Barname (2010), *The Necessity of Modifying the Methods of Production of Immigration Statistics in the Country*, Year 8, No. 366. [Text In Persian]
- Loera, G., Rueda, R., Nakamoto, J. (2011). The association between parental involvements in reading and schooling and children's reading engagement in Latino families. *Literacy Research and Instruction*, (50)2, 133-155.
- Lopez, G. (2001). *The value of hard work: lessons in parent involvement from an (im) migrant household*. *Harvard Education Review*, (71)3, 416-437.
- Lossa, K. (2010). *Working with migrant farm workers and their families*. The Hispanic Outlook.
- Magnuson, K. A., Meyers, M.K., Ruhm, C.J., & Waldfogel, J., (2004). *Inequality in preschool education and school readiness*. *American Educational Research Journal*, (41)1, 115- 157.
- Mangione, P. & Speth, T. (1998). *The transition to elementary school: A framework for creating easy childhood continuity through home, school and community partnership*. *The Elementary School Journal*, (98), 381-397.
- Mathur, S., and Parameswaran, (2012). *School Readiness for Young migrant Children: The Challenge and the Outlook*. New Paltz, NY: Hindawi Publishing Corporation.
- Menchaca, V. (2001). *Providing a culturally relevant curriculum for Hispanic children*. *Multicultural Education*, 8(3), 18-20.
- Midttun, E. (1998). *Brief history and main features of the TEP for Angola 1995–98, as developed and extended by the Norwegian Refugee Council, by arrangement with UNESCO-PEER*. Norwegian Refugee Council, Oslo.
- Monzo, L. (2005). *Latino parents' "choice" for bilingual education in an urban California school: Language policies in the aftermath of Proposition 227*. *Bilingual Research Journal*, (29)2, 313.
- Nieto S (2002) *Curriculum development in multicultural education. course syllabus for education 559*.spring 2002 semester. University of Massachusetts /Amherst. school of education.
- OECD (2015) *Helping immigrant students to succeed at school – and beyond*. OECD Publishing, Paris. Retrieved from: <https://www.oecd.org/education/Helping-immigrant-students-to-succeed-at-school-and-beyond.pdf>
- OECD (2015). *Immigrant students at school- easing the journey towards integration*. OECD Publishing <http://dx.doi.org/10.1787/9789264249509-en>.
- Portes, A, Rivas, A. (2011). *The adaptation of migrant children*. *The Future of Children*. (21)1, 219-246.
- Purcell-Gates, V. (2013). *Literacy worlds of children of migrant farm workers participating in a migrant Head start program*. *Research in the Teaching of English*. 48(1), 68-97.
- Ream, R. & Rumberger, R. (2008). Student engagement, peer social capital and school dropout among Mexican Americans and Non -Latino students. *Sociology of Education*, (81)2, 109-139

- Roemer, A. (2011). *An invisible minority: Mexican language learners, College and University*, (86)3, 57-62
- Romanski, M. (2003). *Meeting the unique needs of migrant farm workers*. The Clearing house, (77)1, 27-33.
- Rumberger, R. & Palardy, G. (2005). *Test scores, dropout rates, and alternative indicators of high school performance*. American Education Research Journal, (42)1, 3-42.
- Rumberger, R. & Thomas, S. (2000). *The distributing of dropout rates and turnover rates among urban and suburban high schools*. Sociology of Education, 73, 39-67.
- Salinas, C., Reyes, R. (2004). *Creating successful academic programs for Chicano/a high schoolmigrant students: The role of advocate educators*. The High School Journal, (87)4, 54-65.
- Schäferhoff, M. et al. (2016) *Estimating the costs and benefits of education from a health perspective. Background paper for the Oslo summit on Education for Development*. Retrieved from: <http://www.resultsfordevelopment.org/sites/resultsfordevelopment.org/files/resources/SEEK.pdf>
- Spera, C. &Matto, H. (2009). *Parental aspirations for their children's educational attainment: relations to ethnicity, parental education, children's academic performance and parental perceptions of school climate*. Journal of Youth and Adolescence, (38), 1140-1152.
- Statistics Center of Iran (2015). *Afghan population by gender, province and nationality (whole country)*. Statistical Center of Iran. 2015. Statistics of Afghan refugees [Text In Persian]
- Suárez-Orozco, C., & Suárez-Orozco, M. M. (2001). *Children of migration*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Suárez-Orozco, M. (2001). *Globalization, immigration and education*. Harvard educational review, 71(3), 345-366.
- Traustadóttir, R., (2001). *Menningarlegur margbreytileiki á Íslandi*. Börn af erlendum uppruna. Barnaheill, 5, 16-36
- UNESCO (2016) *Global Education Monitoring Report. Education for people and planet: creating sustainable futures for all*. Retrieved from: <http://unesdoc.unesco.org/images/0024/002457/245752e.pdf>
- UNESCO (2017) *Concept note for the 2019 Global Education Monitoring Report on education and migration*. Retrieved from: <https://en.unesco.org/gem-report/sites/gem-report/files/Concept%20Note%205%20April%20Final.pdf>
- UNHCR (2015) 'Figures at a glance'. Retrieved from: <http://www.unhcr.org/uk/figures-at-a-glance.html>
- UNHCR (1994). *Refugee children: guidelines on protection and care*. UNHCR, Geneva
- Valdes, G. (1996). *Con Respecto. Bridging the distance between culturally diverse families and Con Respeto, Bridging the Distance between Culturally Diverse Families and Schools*, Teachers College Press: Columbia University.
- Valenzuela, A. (2014). *Subtractive schooling: U.S.-Mexican youths and the politics of caring*. Albany, NY: State University of New York Press.
- Walker, D. & Schulz, A. (2001). *Reading for diversity: recruiting and retaining Mexican American students*. Journal of College Retention, (2)4, 313.
- Watters, C. (2008). *Refugee children. Towards the next horizon*. New York, NY: Routledge.
- Wright, A. (2003). *Children of the road; migrant students, our nation's most mobile population*. Negro Education 72(1), 55-62.
- Wright, W. (2010). *Teaching English language learners*. Caslon: Philadelphia, PA.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>)